



تغییر در ترکیب دولت مزدور در افغانستان مستعمره

تاریخ خونبار چهار دهه اخیر کشور ما دو تهاجم کهن استعماری سوسیال امپریالیستی و امپریالیستی توأم با کلیه مصائب دردانگیز و تبعات ویرانگر آن را در دو نوبت، و در میان آن، سیطره خونین و جنگ ویرانگر ارتجاع بومی بر سر قدرت و مخوف ترین و هول انگیز ترین اشکال ستم و سرکوب را به خود دیده است.

وضعیت خیلی ابتر و اوضاع دردانگیز جاری کشور ما افغانستان تاکنون مستعمره و بازی های بی محابا و آشکار استعماری - ارتجاعی بر سر مقدرات ملی و اجتماعی مردم آن، نتیجه همین سیاست ها و عملکرد های مخرب و هستی برانداز تداوم یافته امپریالیستی - ارتجاعی بوده است. در نتیجه سیاست و عملکرد جنایتکارانه سوسیال امپریالیسم دیروزی، امپریالیسم امروزی و ارتجاع متحد این دو غول استعماری قرن های ۲۰ و ۲۱، نیروی دارای توانائی فکری - تاریخی بالقوه رهبری جنبش مقاومت ملت و خلق افغانستان سرکوب و یا به حاشیه رانده شده و باشندگان افغانستان استقلال، حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت خویش را در جغرافیائی که افغانستان نامیده می شود، به عنوان یک ملت و یک خلق از دست داده، و در بند، متشتت و در به در شده اند.

غیابت این نیروی تاریخی در میدان رزم و عرصه رهبری جنبش ضد استعماری - ارتجاعی توده های میلیونی خلق کشور، زمینه ساز و موجد اوضاع ابتر جاری کشور، اشغالگری ۲۰ ساله امپریالیست های متجاوز و غارتگر امریکا - ناتو و مداخلات مضاعف توسعه طلبانه دول مرتجع و آزمندهمجار و منطقه به ویژه دولت و نظامیان حاکم بر پاکستان که این روز ها تا سرحد تجاوز آشکار بی شرمانه توسط لشکر طالبانی در هماهنگی با امپریالیست های اشغالگر امریکا - ناتو ارتقاء یافته، تکوین رویداد های خونین و فاجعه بار روزمره، خلأ رهبری توده ها، تشتت مبارزان و توده ها، تفرقه ملی، تاراج منابع، تخریب محیط زیست و در اخیر هم دست باز و دراز امپریالیست های اشغالگر و غدار امریکا - ناتو و ارتجاع منطقه برای بازی اهریمنانه با سرنوشت جمعی ملی و اجتماعی مردم افغانستان، بوده است.

دو دهه کامل می شود که سلطه اشغالگرانه خونین و قهار امپریالیست های اشغالگر امریکا - ناتو در کشور ما با کلیه پیامد های ویرانگرش بر حیات اجتماعی - اقتصادی مردم ستمدیده و اسیر افغانستان در بند و هکذا برای مردمان و کشور های خودی دول اشغالگر، ساری و جاری بوده است. رویداد های چند ماه اخیر و خروج شرمسارانه نیرو های اشغالگر امپریالیستی، که بیان هزیمت توأم با رسوائی مأموریت استعماری امپریالیست های شکست خورده امریکا - ناتو برای تحمیل دائمی و بلامانع یوغ سنگین سلطه استعماری امپریالیستی بر دوش زخمی مردم شجاع افغانستان بوده است، در ظاهر امر پایان یک دوره سلطه و سیاست کهن استعماری امپریالیسم امریکا و شرکاء را در کشور ما نشان می دهد. اما به رغم این شکست و رسوائی عالمگیر عوامل بیرونی و اساسی اشغال وطن ما همراه با افتضاح و

خیانت عوامل بومی و زائده مستعمراتی شان؛ حرص و آز امپریالیستی برای دستیابی به گنج شایگان نهفته در دل خاک افغانستان و اهمیت اقتصادی - مواصلاتی و جایگاه و اهمیت خاص افغانستان از دید منافع ستراتیژیک امپریالیسم امریکا و کلاً غرب برای غاتگری، پیشبرد رقابت و تحرکات، مانع دل کندن غارتگران امریکائی - ناتوئی از کشور ما و نقش آفرینی در دائره رقابت امپریالیستی در منطقه آسیای میانه، می شود.

از دو سه سالی که شکست افتضاح آمیز سیاست دول استعماری و ناکامی نیرو های اشغالگر امپریالیسم امریکا - و متحدان ناتوئی و غیرناتوئی اش در افغانستان اشغالی مسلم و قطعی شد، دولت اشغالگر امریکا به طور همزمان با پیشبرد سیاست موازی، برای تضمین تداوم سلطه استعماری اش بر افغانستان و خلق دربند آن، دست به تعدیل ستراتیژی سلطه جویانه اش در قبال کشور ما و منطقه زد.

در چارچوب این سیاست موازی، این امپریالیسم غدار و فریبکار امریکا در تفاهم با شرکای جنایت و تجاوز ناتوئی اش، به طور همزمان حین حمایت علنی از دولت مزدور غنی، روی پروژه نواستعماری مزدوران خودساخته طالبان سرمایه گذاری مجدد کرد. سرانجام به تاریخ دهم حوت ۱۳۹۸ش / ۲۹ فبروری ۲۰۲۰م در غیاب تمثیل اراده ملی مردم افغانستان، نماینده امپریالیسم امریکا توافقنامه ای ننگین و خیانتکارانه را بر نمایندگان مطیع و خودفروخته گروه طالبان خیانت پیشه - در واقع با اربابان پاکستانی طالبان - در مورد سرنوشت کشور و مردم ما و انتقال قدرت پوشالی از دولت مزدور کابل به اداره مزدور و مرتجع محافظه کار تر دیگری، تحمیل کرد. آنچه در این ایام غم انگیز و شب های ظلمانی اخیر در کشور اتفاق افتاده و ادامه دارد، در واقع اجرائی شدن مفاد اعلام نشده همان توافقنامه دوحه است.

یورش پیروزمندانه خودفروختگان فاشیست طالبان پس از تسلیمی از قبل طراحی شده ولسوالی ها و مراکز ولایات، به سوی کابل و افراشته شدن بیرق سفید طالبان بر ورودی های ارگ غلامان امریکا و اشغال جایگاه ارگ نشینان قبلی و تسخیر قدرت پوشالی توسط "فاتحان" فاشیست طالبی، نه نشانه قدرت نظامی و برتری سیاسی این گروه بر پوشالیان قبلی، بلکه بیانگر عمق و گستردگی ابعاد توطئه فراگیر و تجاوز همه جانبه توأم با ناتوانی ذاتی و مزدور بی اراده بودن دولت و نهاد های نظامی - امنیتی آن دولت و سران خیانت پیشه آن در رأس، غنی خائن بوده است. به اهتزاز درآمدن بیرق طالبان، به معنای پایان سلطه استعماری امپریالیسم بر افغانستان نه، بلکه در پایان یک دوره و آغاز دور جدید، بیان حالت مستعمراتی کشور آبائی ما افغانستان و تداوم آن در دور و اشکال جدید است.

عمر دولت خیانت ملی طی ۲۰ سال اشغال کشور به ریاست "کرزی - احمدزی" و سائر سران خودفروخته و خیانتکار آن، در خیانت به کشور و مردم، خدمت به امپریالیسم اشغالگر، اشتراک مستقیم در توطئه های امپریالیستی - ارتجاعی، پنهان داشتن حقائق دردناک و بازی های تبهکارانه اربابان غدار و فریبکار شان از مردم افغانستان، گذشت. غنی مزدور که "فریب خوردگان"، مردم فریبان و باند های تسلیم طلب چندی تا همین دیروز او را به غلط "رئیس جمهور" و "رئیس جمهور افغانستان" و دولت خیانت ملی را "دولت افغانستان" و ابزار سرکوب دولت پوشالی غنی را "اردوی ملی" خوانده و خواهان تقویت آن ابزار پوشالی آکنده با فساد حین فروریزی آن بودند؛ نشان داد که "ببرک امریکائی" ای بیش نبود. غنی مزدور و خیانت پیشه با خیانت پنهانکاری اش از مردم کشور، سهمش به مثابه رأس دولت مزدور در تسلیمی داشته های نظام پوشالی به فاشیست های اجیر طالبانی و هموار ساختن جاده برای مارش پیروزمندانه مزدوران خشمگین و لجام گسیخته طالبان و فرار جویانانه اش از کشور؛ بیانگر عمق خیانتش به افغانستان و مردم آن، و وفاداری و خوشخدمتی اش به منافع پلید امپریالیسم جنایتگستر امریکا و شرکاء، بود. در حالی که جلسه سران رژیم مزدور در ارگ پوشالیان به رهبری همتای جهادی اش عبدالله داشت، غنی احمدزی خائن حین انجام موفقانه مأموریتش به امپریالیسم امریکا، ترس از آن داشت تا مبدا به سرنوشت خائن همخون

سلفش، "نجیب احمدزی" جلاد "خاد" گرفتار شود، با حمدالله محب و مقادیر هنگفتی پول نقد که افتضاح مزید آفرید، فرار را بر قرار ترجیح داد.

با فرار سران تکنوکرات و جنگسالار دولت مزدور به زعامت مزدور پوشالی و خائن به مادر وطن - غنی دلک بی مقدار استعمار - و تسلیمی و تفاهم بخش عمدتاً جهادی دولت مزدور خیانت ملی ساخته و پرداخته اشغالگران امپریالیست با طالبان متجاوز، عمر ننگین آن اداره ضد ملی در ترکیب تا کنونی اش به پایان افتضاح آمیز و محتومش رسید. برنامه بعدی امپریالیسم امریکا و شرکاء من جمله حاکمان توسعه طلب و طماع پاکستانی در غیاب تمثیل اراده مستقل مردم افغانستان، برای اداره کشور ما در وابستگی کامل به متجاوزان جدید، عبارت از انتقال قدرت به اداره ای مطیع تر، محافظه کار تر و مرتجع تر قرون وسطائی با ترکیب سیاسی طالبی - جهادی در غیابت یا با نقش تابع داشتن بخش ناچیز تکنوکرات های بورژوا - کمپرادور، است.

توحید ارتجاع اخوانی طالبی - جهادی حین ادامه سلطه سرکوبگر و غارتگر امپریالیسم و دول مرتجع و آزمند بیرونی در کشور ما، به تداوم و تشدید ستم و استثمار چندلایه، تبعیض و تزییق بر زحمتکشان، زنان، نیرو های مترقی، فرهنگیان و اقلیت های قومی - مذهبی توأم با محدودیت آزادی های مدنی و آزادی بیان؛ خواهد انجامید. من بعد، افغانستان در موقعیت مستعمراتی آکنده از تضاد و تقابل منافع در خطوط عمودی و افقی و تشدید رقابت خواهد بود. ستم مضاعف، به حاد شدن تضاد ها منجر شده که از آن میان تضاد خلق افغانستان با امپریالیسم و ارتجاع، کماکان تضاد عمده جامعه تحت سلطه ما باقی خواهد ماند.

ائتلاف امپریالیستی رقیب پیمان نظامی ناتو، در رأس، دول امپریالیستی چین و روسیه با توانائی های بالقوه همه جانبه که فرصت طلبانه به گنج و موقعیت جغرافیائی حیاتی افغانستان برای تحقق ستراتیژی منطقه ئی شان چشم دوخته اند، خیلی سالوسانه و خموشانه شکت و افتضاح جهانی امپریالیست های امریکا - ناتو، این مظاهر بی نظیر شرارت، را به تماشا نشسته و منتظر نقش آفرینی در افغانستان و منطقه در آینده اند.

تغییر دولت مزدور و مرتجع پوشالی غنی به دولت مزدور و مرتجع تر از آن در تحت سیادت جابرانه امپریالیسم و دول و محافل ارتجاعی متجاوز، هرگز نمی تواند نیاز تاریخی خواست تخطی ناپذیر رهائی یک ملت دربند و خلق تحت ستم و استثمار را، کاملاً از بین ببرد. دیری نخواهد گذشت که تضاد و تقابل و مخالفت آشتی ناپذیر خلق ما و نیرو های انقلابی و آزادیخواه آن با امپریالیست های اشغالگر و ارتجاع حاکم بومی...، با جلوه های گوناگونی متبارز شود.

در پایان یک دوره استعماری - ارتجاعی و آغاز دور تجاوز و تعدی بعدی توسط امپریالیسم و ارتجاع، همهری با استعمار - ارتجاع بیرونی و ایادی بومی خودفروخته اش و یا ایستادن در تقابل با آنها در کنار مردم برای آگاه، متحد و بسیج ساختن مردم برای مارش شورانگیز تاریخی ستمکشان کشور علیه ستمگران بیرونی و بومی، یگانه معیار صادق و خائن و جدی و غیرجدی بودن فرزندان این سرزمین و مدعیان مبارزه برای رهائی ملی و اجتماعی و ترقیخواهی در کشور است. میدان های مبارزه در پیش است و ظرفیت های جدی ملی - مترقی و تک تک افراد جدی و صالح این وطن را به آزمون می طلبد.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) ضمن محکوم کردن بازی خطرناک و همدستی جنایتکارانه امپریالیسم با شرکای مرتجع بیرونی و بومی اش مثل اخوانی های میهن فروش طالبی - جهادی بر مقدرات ملی و اجتماعی مردم ما با شدید ترین الفاظ، از این جلوه های مبارزاتی به گرمی استقبال کرده و با افتخار مصمم است که به رسم رهبران جانبازش، در پیشاپیش شان زنده یاد مجید، و کادر های آگاه و رزمندگان ایثارگرش...، با هدف نهائی کوتاه ساختن دست تجاوز و مداخلات چندگانه همزمان امپریالیستی - ارتجاعی بیرونی، به زیر کشیدن سلطه طبقاتی ارتجاع

طالبی - جهادی مزدور از قدرت پوشالی و برگرداندن استقلال به کشور، حاکمیت ملی به ملت و سروری به زحمتکشان کشور، برزمد.

"ساما" حاضر است برای تحقق این مأمول، دست کمک و همکاری تمام ظرفیت های فردی و گروهی را که اراده مبارزه برای رهائی ملی و اجتماعی مردم افغانستان از سلطه جابر امپریالیسم و ارتجاع را در سر دارند و به طور بالقوه توان همگامی و اشتراک در این پویه رهائیبخش را، در سطوح و اشکال مختلف مبارزاتی به گرمی و با روحیه رزمجویانه، وحدت طلبانه و انتقادی بفشارد.

- زد و بند امپریالیسم و ارتجاع بر سر مقدرات ملی و اجتماعی ما محکوم است!

- وحدت رزمجویانه و بسیج مردم ما علیه امپریالیسم و ارتجاع نیاز زمان است!

- مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

- زنده باد افغانستان و مردم آزادیخواه آن!

- یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۵ اسد ۱۴۰۰ ش / ۱۶ اگست ۲۰۲۱ م